

ماهیت روح/ روح از ماده آخرتی خلق شده است

روح موجودی است جزء موجودات غیبی، یعنی از ماده آخرتی خلق شده و به تقدیر خداوند با بدن مخلوق از دنیا و ذری به طور «ترکیب صناعی» ترکیب یافته است



خبرگزاری مهر- روح موجودی است جزء موجودات غیبی، یعنی از ماده آخرتی خلق شده و به تقدیر خداوند با بدن مخلوق از دنیا و ذری به طور «ترکیب صناعی» ترکیب یافته است.

فلاسفه و عرفا حقیقت انسان را نه جسم می‌دانند و نه جسمانی بلکه قائلند که حقیقت انسان تنها روح او می‌باشد که جزء عالم عقول و مجردات قرار دارد در حقیقت نظریه فلاسفه درباره انسان از دو بخش عمده تشکیل می‌یابد:

الف- حقیقت انسان تنها روح اوست و جسم ابزاری برای تکامل روح است.
ب- روح موجودی مجرد از ماده و عوارض مادی است.

از آنجا که اساس نظریه قائلین به معاد روحانی را تشکیل می‌دهد و در آن قسمت، حکما و عرفا، حتی بزرگان متکلمین، و بعضی از فقهاء نیز معتقد به تجرد روح هستند.

احادیث رسیده از ائمه اطهار در زمینه بیان حقیقت روح، و توضیح چگونگی فعالیت آن در بدن و قبض آن هنگام مرگ نقل شده است.

زندیقی مسائل زیادی از امام صادق پرسیده و ضمن سؤال‌های خود گفت:

به من اطلاع دهید موقعی که چراغ خاموش شد، نور آن به کجا می‌رود؟ وقتی رفت دیگر برنمی‌گردد.

امام فرمود: قیاس شما درست نیست زیرا آتش در اجسام نهفته شده است، و اجسامی مانند سنگ و آهن موقعی که به یکدیگر زده شدند، آتش تولید می‌کند و از آن چراغ تهیه می‌شود. که دارای نور است پس آتش در جسم ثابت است و نور از آن تولید می‌شود. و اما روح جسم رقیق لطیفی است که در قالب مادی قرار گرفته است، بنابراین روح بمنزله چراغ نیست که تو بیان کردی. زندیق: روح که بعد از مرگ از بدن خارج می‌شود کجاست و چه مکانی استقرار دارد؟ امام: تا روز قیامت در دل زمین در خوابگاه بدن به سر می‌برد. زندیق: آیا روح غیر از خون است؟ امام: آری همان‌طور که به شما گفتم روح وسیله کشش و گسترش روح است.

از امام صادق(ع) در حدیث مفصلی مطالب زیاد راجع به انسان وارد شده، و در ضمن آن فرمود:

نیمی از دنیا عالم ظاهر و نیمی دیگر از آخرت و عالم غیب است. تا زمانی که میان این دو نیمه وجود انسان، ترکیب و هماهنگی وجود دارد، یعنی مادامی که خداوند متعال در حال اجتماع قرار دارد زندگی انسان در زمین قرار می‌گیرد و حیات خود را در اینجا ادامه می‌دهد و از آسمان و شأن آخرتی به شأن دنیا نازل می‌شود، و اگر میان دو قسمت به وسیله مرگ، جدایی افتاد، روح به سوی آسمان و عالم آخرت برمی‌گردد. پس روح قبل از مرگ، در زمین، و بعد از آن در آسمان است.

امام حسن مجتبی می‌فرماید: و اینکه پرسیدی در حال خواب روح انسان به کجا می‌رود؟ جوابش این است که روح انسان به باد و باد به هوا متعلق است تا موقعی که شخص خفته برای بیداری حرکت کند، در این صورت اگر خداوند اجازه بیداری بدهد روح باد و باد، هوا را جلب و جذب می‌نماید و روح برمی‌گردد و وارد بدن صاحبش می‌شود. و اگر خداوند اجازه برگشت روح به بدن را ندهد در این صورت هوا باد را و باد روح را جذب می‌کند و دیگر روح تا روز قیامت و رستاخیز به بدن برنمی‌گردد.

معاویه بن عمار گوید: موقعی که بندگان خدا به خواب می‌روند ارواح آنان به سوی آسمان پرواز می‌کند، آنچه ارواح(از خواب) را در آسمان می‌بینند، رویایی صادق است و آنچه در هوا می‌بیند خواب آشفته و پریشان است و تعبیری ندارد.

آنگاه فرمود: متوجه باشید که ارواح قبل از ترکیب با ابدان «جزء مجنده» یعنی دسته بندی شده بودند پس ارواحی که در آنجا از یکدیگر بیزاری و مخالفت نمودند در اینجا نیز با هم مخالف می‌شوند و ارواحی که در آن حال با هم رفاقت و موافقت داشتند در اینجا نیز الفت و دوستی می‌نمایند.

از جمله مطالبی که در مجلس مأمون، صابی و صباح بن هنرندی از امام رضا پرسیدند این مطلب است:

آیا چشم انسان که می‌بیند، نور با آن مرکب است؟ یا اینکه روح انسان دیدنی‌ها را از مردمک آن می‌بیند.

امام علی فرمود: یعنی: چشم عبارت از مقداری پیه است که همان سیاهی و سفیدی چشم می‌باشد، و دیدن کار روح است. دلیل آن این است اگر به خود چشم نظر نمایی شمایل خود را در آن خواهی دید زیرا صورت دیده نمی‌شود مگر در آب صاف و یا در آئینه و امثال آن.

صبح گفت: زمانی که چشم بینایی را از دست داد و کور گردید، روح چگونه استقامت و استقرار پیدا می‌کند. در صورتی که دید رفته است؟

امام فرمود: یعنی روح مانند آفتاب درخشان است که ابرها جلو نور او را می‌گیرند.

صبح و عمران هر دو با هم پرسیدند: پس وقتی که انسان بینایی را از دست داد روح او به کجا می‌رود؟

امام فرمود: مرکز روح مغز انسان است و شعاع آن به تماس قسمت‌های بدن پخش می‌گردد، و به همین وسیله به بدن مسلط می‌شود همان‌طور که مدار خورشید در وسط آسمان است و شعاعش بر همه قسمت‌های زمین پخش می‌گردد و اگر از آن دایره غایب شود و از روی زمین پنهان شود دیگر آفتاب نیست و همچنین اگر سر از جسد منقطع گردد، روح نیز در بدن باقی نمی‌ماند.

صاحب مناقب می‌نویسد: دو نفر نصرانی از ابوبکر پرسیدند تفاوت محبت و عداوت از کجاست یا اینکه معدن حب و بغض یکی است؟ و باز پرسیدند تفاوت خواب‌های آشفته و خواب‌های غیر آشفته چیست؟ با اینکه معدن آن‌ها یک چیز است.

در این‌جا حضرت علی می‌فرماید: یعنی خداوند ارواح را به اندازه دو هزار سال جلوتر از ابدان ذری آفریده است و آن ارواح را در هوا جای داده و ساکن کرده بود. پس هرکدام از ارواح در آن‌جا به یکدیگر محبت نموده‌اند، در این‌جا نیز دوست می‌شوند.

پس از خواب‌های آشفته و غیرآشفته می‌فرمایند: یعنی خداوند متعال روح را آفرید و برای او اقتدار تسلط قرار داده پس سلطنت و حکومت او به وسیله نفس و بیداری است هر موقع که انسان به خواب می‌رود سلطنت و حکومت بدن باقی می‌ماند و روح از بدن بیرون می‌رود آن‌گاه فوج‌هایی از ملائکه، و فوج‌هایی از طلائیه جن و بدو می‌گذرد. پس رویاهای صادقه از ملائکه است رویاهای آشفته از اجنه است.

پس روح از ماده آخرتی خلق شده و به تقدیر خداوند با بدن مخلوق از دنیا و ذری به طور «ترکیب صناعی» ترکیب یافته است. و خودش ماده و بسیار لطیف می‌باشد.

یعنی: علم، حیات، قدرت و سایر کمالات انسانی عین ذات او نیست و ذات او بدون علم و حیات بلکه فقیر به تمام معنا است و هرگاه علم و حیات و سایر کمالات انسانی به وی داده می‌شود، واجد آن است و گر نه فقیر محض است و تقدیر الهی بر این تعلق گرفته که روح و بدن ترکیب یافته وجود انسان را تشکیل می‌دهد. تنها روح، و یا تنها بدن انسان نیست، بلکه یک شق انسان روح و یک شق دیگر بدن است مانند: شل، کور که شخص بی دست و پا، در حرکت محتاج به شخص کور است.